



علی آقا واحد

ندارم

آسوده منم که خـبر ندارم
از آب و علف خبر ندارم
دو نیا ده یـه بیربریره سراپا
مین حشر اولاشورش‌ایله برپا
سرتاسر اگر داغیلا دونیا
تاثیر ائله‌م منه هنج اصلا

آسوده منم که خـبر ندارم
از آب و علف خبر ندارم

ملت باتا یوز غم و ملاله
نئی‌تک انده‌لر فغان و ناله
هرگون یتـه گر وطن زواله
بیر ذره‌جه دوشمه‌رم خیاله

آسوده منم که خـبر ندارم
از آب و علف خبر ندارم
یوخیسول‌ولاکربوتون‌جماعت
گورآلسده‌قیلمارام‌حمایت
ملت غمی بی‌غمه نه حاجت؟
بیرکس منه ائیله‌م ملامت

آسوده منم که خـبر ندارم
از آب و علف خبر ندارم

تاریخ گردی

افزایش ناگهانی و چهار برابری بهای نفت در ۱۹۷۳ میلادی را «نخستین شوک نفت» نامیده‌اند. این دقیقه تاریخی، لحظه طغیان جنوب جهانی (متشکل از کشورهای صادر کننده نفت) علیه نظم اقتصادی شمال (بلوک غرب) بود؛ رخدادی که ریشه‌هایش را باید در بحران دلار و توسعه‌خواهی افراطی شرکت‌های بزرگ نفی جست، و نه صرفا در آتش جنگ اعراب و اسرائیل.

به گزارش رویداد۲۴، پاییز ۱۹۷۳ مصادف بود با فصل خزان آنچه «عصر زرین سرمایه‌داری جهانی» نامیده می‌شد. اریک هابسبام، تاریخ‌نگار برجسته، آن سال را نقطه عطفی می‌داند که جهان در آن قطب‌نمای خود را گم کرد و به دامن بی‌ثباتی و بحران لغزید. اگرچه نگاه هابسبام بیشتر بر شمال جهانی متمرکز بود، اما زلزله‌ای که در بازار نفت رخ داد، بی‌تردید پس‌لرزه‌هایی جهانی داشت. وقایع آن سال، «مسئله انرژی» را که تا پیش از آن در حاشیه بود، به قلب گفتمان عمومی کشاند. غرب سراسیمه واکنش نشان داد؛ در سال ۱۹۷۴ اکثر کشورهای صنعتی به «آژانس بین‌المللی انرژی» در پاریس پیوستند تا سیاست‌هایشان را هماهنگ کنند و وابستگی به نفت را کاهش دهند. دولت‌ها تشکیلات ملی ویژه‌ای برای مدیریت انرژی پدید آوردند، نظیر وزارت انرژی ایالات متحده که در سال تأسیس شد. حتی سازمان ملل نیز در سال ۱۹۸۱ کنفرانسی جهانی درباره «منابع جدید و تجدیدپذیر انرژی» در نایروبی برگزار کرد. تکاپو برای «بهره‌وری انرژی» به بهبود استانداردهای موتور خودروها و عایق‌بندی ساختمان‌ها انجامید و تقلای دست‌یافتن به «انرژی‌های جایگزین» با افول نفت و صعود زغال‌سنگ، گاز طبیعی و انرژی هسته‌ای، چهره سید انرژی جهانی را دگرگون کرد.

با این‌همه، ریشه‌های اصلی ماجرا همچنان در هاله‌ای از ابهام است. غرب نامش را «شوک نفتی» گذاشت؛ شوکی که گویی حاصل توطئه اوپک برای حمایت از مصر و سوریه در جنگ اکتبر علیه اسرائیل بود. اما واقعیت چیز دیگری بود. کشورهای صادرکننده نفت نام آن لحظه را «انقلاب نفتی» گذاشتند. اسناد محرمانه و بیانیه‌های آن زمان نشان می‌دهد که دولت‌های عضو، در بستر جنبش جهانی ضد استعماری، در یک تقویت توسعه اقتصادی خود بودند. اوپک قیمت نفت را بالا برد، اما نه به عنوان نتیجه جنگ یوم کپبور. بلکه این جهش قیمت، پاسخی بود به کاهش ارزش دلار آمریکا پایان استاندارد طلا و جلوگیری از مصرف بیش از حد نفت.

بسیاری از روایت‌ها، افزایش قیمت اوپک را با استفاده اعراب از «سلاح نفت» خلط می‌کنند. درست است که در اواخر ۱۹۷۳ یک تحریم عربی علیه آمریکا اعمال شد، اما این سیاست ربطی به افزایش چشمگیر قیمت‌ها که جهان را لرزاند، نداشت. اعراب پیش از ۱۹۷۳، در سه نوبت از نفت، چون سلاح استفاده کرده بودند. نخستین بار در ۱۹۴۸ بود که مقامات عراقی خط لوله حیفا را بستند. خط لوله «ترنس-عربین» نیز که قرار بود میداین سعودی را به مدیترانه وصل کند، به تاخیر افتاد و اتحادیه عرب در ۱۹۵۳ دفتر

در حالی که کشور پاییزی کم‌بارش را پشت سر گذاشته، پیش‌بینی‌های جدید نشان می‌دهد طی ۶ هفته آینده بسیاری از مناطق ایران شاهد بارش‌های نرمال و در برخی نقاط حتی بیشتر از حد معمول خواهند بود. این روند می‌تواند آغاز بهبود نسبی شرایط بارندگی در فصل زمستان باشد، هرچند کمبودهای انباشته‌شده سال‌های اخیر را جبران نخواهد کرد. هم‌زمان انتظار می‌رود دمای هوا در بسیاری از استان‌ها کاهش محسوسی داشته باشد و تهران نیز در روزهای پایانی هفته آینده به نزدیکی صفر و حتی زیر صفر درجه برسد.

صادق ضیاییان، رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا، درباره خبری که با عنوان "النینو در راه ایران" در رسانه‌ها شده است، به خبرآنلاین می‌گوید: النینو یکی از چرخه‌های آب و هوایی است که سیکل‌های ۲ تا ۷ ساله دارد و یکی از فازهای نوسان جنوبگان یا انسو (ENSO) است.

او تصریح می‌کند: نوسان جنوبگان هم در مناطق استوایی اقیانوس آرام اتفاق می‌افتد؛ یعنی اینکه بگویید النینو به سمت ایران آمد، اصلا غلط علمی و غلط فاحشی است؛ مثل این است که بگویی آمریکا به ایران آمد، یا آمریکا در راه ایران؛ اصلا این‌ها غلط است. بیشترین تأثیرات النینو روی همان قسمت قاره آمریکا و بخش‌های شرقی آسیا و شمال استرالیا است که در این مناطق یک‌سری تغییرات اتفاق می‌افتد و در فصل زمستان و

فصل بهار با احتمال بالای ۶۰ و ۷۰ درصد، به فاز خنثی می‌آید و با احتمال زیر ۲۰ درصد ممکن است در فصل بهار النینو شود. ضیاییان تأکید می‌کند: همبستگی النینو با بارش‌های ایران حدود ۶۰ درصد است؛ بارها و سالها بوده که پدیده لائینا بوده و ما ترسالی داشتیم، یا النینو بوده و ما خشکسالی داشتیم؛ بنابراین یک عامل خیلی درشت نیست؛



یکی از ده‌ها عامل دیگری است که موجب بارش بر روی کشور ما می‌شود و بر این اساس ربط دادن کل بارش‌های ایران به النینو کار درستی نیست. پیش‌بینی بارش این است که ما در ۶ هفته آینده بارش‌های خوبی را روی کشورمان داریم. او می‌گوید: همه عوامل باید دست به دست هم بدهد که بارش‌های مناسبی در کشور داشته باشیم؛ خوشبختانه پیش‌بینی ما

پاییزه و سال گذشته را نمی‌کند. پیش‌بینی فعلی ما این است که باتوجه به جمیع جهات، وضعیت بارندگی بهتر می‌شود؛ ضمن اینکه اگر پیش‌بینی‌ای هم برای النینو می‌خواهیم الان در حال حاضر در فاز لائینا هستیم؛ ضمن اینکه

می‌بیند بارش‌های خوبی هم اتفاق افتاده است؛ بنابراین النینو باشد یا لائینا باشد، زیاد ربطی ندارد؛ وقتی ما می‌گوییم همبستگی النینو با بارش‌های کشور ما ۵۰ یا ۶۰

همبستگی ال‌نینو با بارش‌های ایران چقدر است؟

برای ۶ هفته آینده در نقاط مختلف کشور این است که ما بارش‌های مناسبی را روی کشورمان خواهیم داشت. این بارش‌ها در خیلی جاها بارش نرمال فصل و در برخی جاها نیز قدری بیشتر از نرمال است. یادمان نرود که ما پاییز کم‌بارشی داشتیم و حتی اگر بارش نرمال یا فرازمالی هم در برخی مناطق کشور اتفاق بیوفتد، جبران کمبود بارش‌های

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا می‌افزاید: اصلا پیش‌بینی بارش را به النینو ربط ندهید؛ پیش‌بینی بارش این است که ما در ۶ هفته آینده بارش‌های خوبی را روی کشورمان داریم؛ در فصل زمستان هم ما بارش نرمال را برای کشورمان پیش‌بینی می‌کنیم و در برخی مناطق احتمال بارش‌های نرمال هم وجود دارد.

ضیاییان در تشریح پدیده ال‌نینو و لائینو، می‌گوید: یک نوسان جنوبگان است که در روی استوا و روی اقیانوس آرام صورت می‌گیرد که ۳ تا فاز دارد؛ یک فاز آن ال‌نینو، یک فاز لائینا و فاز دیگر هم خنثی است؛ این ۳ فاز نوسان می‌کند؛ بستگی دارد که دمای دریا، کدام طرف اقیانوس گرم‌تر می‌شود. برای تهران بعدازظهر روز ما این است که از یک بعدازظهر روز شنبه بیست‌ودوم آذرماه به بعد و شب، با احتمال کم بارش پراکنده داریم و پدیده‌ای که برای روز یکشنبه می‌توانیم روی آن حساب کنیم کاهش دما است.

اصلی این قیمت‌گذاری بودند.

آنتونی سمپسون در «هفت خواهران» می‌نویسد: «افزایش قیمت و تحریم ترکیبی مرگبار برای غرب بود، اما این تقارن کاملاً تصادفی بود.» حقیقت این بود که بازار تغییر ماهیت داده بود. نیکسون بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ کنترل‌های واردات نفت را حذف کرده بود. ویلیام راجرز، وزیر خارجه وقت، در نامه‌ای به نیکسون هشدار داده بود که مصرف آمریکا تا ۱۹۸۰ به ۲۴ میلیون بشکه در روز می‌رسد و این کشور مجبور است نیمی از نیازش را وارد کند. در چنین بازاری، افزایش قیمت اجتناب‌ناپذیر بود.

این افزایش قیمت، ریشه در فلسفه وجودی اوپک داشت که از ۱۹۶۰ در بغداد شکل گرفته بود. پِرز آلفونسو، بنیان‌گذار وژنوتلایی اوپک، گفته بود: «مرده‌مان نمی‌توانند اجازه دهند تنها امکانشان برای گذر از فقر به رفاه، ارزان فروخته شود.» در ۱۹۶۸ اوپک با «بیانیه خط مشی نفتی» خواهان مشارکت مستقیم شد و در ۱۹۷۱ الجزایر پیشگام ملی‌سازی صنعت نفت گردید. هواری بومدین، رئیس‌جمهور الجزایر، در سازمان ملل خواستار «نظم اقتصادی بین‌المللی نوین» شد.

کشورهای اوپک در ۱۹۷۳ در برابر حراج نفت خود به دلار ضعیف شده آمریکا ایستادند. در کنفرانس تهران، جمشید آموزگار چهار دلیل کلیدی برای قیمت ۱۱.۶۵ دلاری برشمرد: هزینه بالای انرژی‌های جایگزین مثل زغال‌سنگ مایع، حفظ قدرت خرید نفت، ارزش ذاتی نفت که «حیف است سوزانده شود» و اهمیت آن به عنوان خوراک پتروشیمی. شاه نیز اعلام کرد نفت «کالایی نجیب» است که تا سی سال دیگر تمام می‌شود. قیمت جدید تلاشی بود برای جلوگیری از «اتلاف اقتصادی» این منبع حیاتی. امروز با گذشت بیش از نیم قرن، روشن است که روایت غربی با پیوند زدن «انقلاب نفتی» به «تحریم اعراب»، بحران‌های ساختاری سرمایه‌داری و سقوط استاندارد طلا را پنهان کرد. آن رویداد تلاشی بود برای بازسازی رادیکال روابط اقتصادی شمال و جنوب.

اگرچه در دهه بعد، ضدحمله لئوپولیدی غرب و بحران بدهی‌ها، روایی جهان سوم را در هم شکست، اما یادآوری انقلاب نفتی ۱۹۷۳ همچنان نقش مرکزی این دولت‌ها را در تغییر معادلات جهانی به ما گوشزد می‌کند؛ درسی تاریخی از روزگاری که جنوب جهانی کوشید قواعد بازی را تغییر دهد.

آگهی ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
طبق رای هیئت به شماره ۱۳۳۸۷/۰۰۱۳۱۳۰۰۱-۱۴۰۵/۰۸/۰۴/۱۴۰۵/هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی اورمیه تصرفات مالکانه و بلامعاوض متقاضی آقای مالک فلاح به شناسنامه ۵۹۹ شماره کدملی ۲۷۵۲۴۹۸۷۷۲ صادره اورمیه فرزند در شنشدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۳۵۵/۷۴متر مربع به پلاک ۴۸۰ فرعی قسمتی از پلاک ۲۵ اصلی واقع در بخش ۶ اورمیه تایید و پس از کسر مالکیت آقای بهلول داننده و انتشار آگهی موضوع ماده ۳ قانون مذکور محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م. الف ۸۲/۵۰۴ شناسه آگهی:۲۵۸۸۲۲۵۰ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۹/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳

رحیم عسگری گمچی – کفیل اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک اورمیه

اجتماعی

آسب‌شناسی توصیه مقام مرجعیت در پرهیز از اقتدار به امام — PDF Compressor Free

طبیعتاً از دریافت حقوق ماهیانه اجتناب خواهند کرد یا از امامت چنین مساجدی خودداری خواهند کرد. در مقابل امامانی که به نظر سایر مراجع عمل کرده، به شیوه خویش ادامه خواهند داد و دریافت حقوق را بلامانع خواهند دانست. در چنین فرضی تکلیف امامان روشن می‌شد و



حسن فَرشَیان: آیت الله سیستانی در پاسخ به پرسشی از ایشان که «در برخی کشورهای اسلامی، دولت برای امامان جماعت در مساجد حقوق ماهانه تعیین می‌کند و بخشی از آنان از روحانیون شیعه هستند. نظر شریف شما در این‌باره چیست؟» بیان داشته‌اند که «به مؤمنان (آع‌زم‌ه‌م‌ تعالی) توصیه می‌کنیم پشت سر کسی که حقوق دولتی دریافت می‌کند نماز نخوانند. این نه از باب خدشه وارد کردن به او یا طعن در عدالت وی است، بلکه برای آن است که این جایگاه‌ها و موافق صاحبانشان کاملاً از هرگونه دخالت احتمالی دولتی حتی در آینده مصون بمانند». نگرانی مقام محترم مرجعیت آیت‌الله سیستانی، از دخالت حکومت‌ها و دولت‌ها در امر دینی، دغدغه‌ای دلسوزانه در امتداد دغدغه‌های حکیمانه معظم له و دغدغه‌های تاریخی مراجع محترم تقلید در این زمینه است. مراجع تقلید به عنوان سنگربانان امر دین، همیشه تلاش داشته‌اند تا روحانیت و حوزه‌های علمیه را از وابستگی به دولت‌ها پرهیز بدهند. یکی از مزایای تاریخی روحانیت

شیعه، این بوده است که همیشه استقلال خویش را از حکومت‌ها حفظ کرده است. تا پیش از برقراری نظام جمهوری اسلامی در ایران، وابستگی سیاسی یا اقتصادی به حکومت‌ها موجب سقوط اعتبار یک فرد روحانی می‌شد.

حتی اگر گمان می‌شد که وابستگی یک بیت مرجعیت با حکومت مرتبط هستند، جایگاه آن

بیت مرجعیت به همان نسبت تضعیف می‌شد و پایگاه خویش را نزد متدینان از دست می‌داد. اما با برقراری جمهوری اسلامی در ایران، نه تنها قبح وابستگی به حکومت شکسته شد بلکه در نزد بسیاری از روحانیون مخصوصاً طلاب جوان که علاقه‌مند به حکومت اسلامی بودند، وابستگی به حکومت یک وظیفه تلقی می‌شد. در نزد این گروه، این وابستگی‌ها در ابتدا به عنوان انجام وظیفه در حمایت از حکومت اسلامی عملی می‌شد و سپس بهره‌مندی از مزایای اجتماعی و تصادی آن، عادی گردید.

گروه دیگری از روحانیان که یا سیاسی نبودند و یا به برقراری حکومت دینی در زمان غیبت امام معصوم باوری نداشتند، همان شیوه سابق سلف صالح را پی گرفتند و با پرهیز از پذیرش منصب دولتی از هرگونه وابستگی به حکومت به ویژه وابستگی اقتصادی پرهیز کردند.

توصیه بالای مقام مرجعیت، بدون تردید نگرانی کاملاً بجا و آینده‌نگرانه‌ای برای روحانیت شیعه است. در این توصیه، صرف‌ظلم از اینکه در آن کشور اسلامی فرضی، حاکم عادل یا جائری حاکم باشد و صرف‌نظر از مشروعیت یا عدم مشروعیت آن حکومت، توصیه‌ای کلی و عمومی و در راستای علم وابستگی اقتصادی امامان جماعت به حکومت‌ها شده است. نگرانی احتمالی مداخله حکومت هرچند در آینده، به عنوان دلیل این توصیه در متن آن یادآوری شده است. این توصیه حکیمانه در کلیات خویش، اقدامی ارزشمند در صراحت به تداوم سنت تاریخی استقلال روحانیت است.

در این پرسش و پاسخ، ما با سه عامل و سه طرف مجزای از یکدیگر مواجه هستیم که پیوند این سه طرف در قضیه فوق، موجب طرح شدن این نگرانی در پاسخ و پرسش مطروحه می‌شود. طرف اول، دولت‌هایی هستند که برای امامان جماعت مساجد حقوق ماهیانه‌ای تعیین می‌کنند. طرف دوم، امامان جماعتی هستند که از دولت بابت اقامه این نماز جماعت حقوق ماهیانه دریافت می‌کنند. طرف سوم، مؤمنانی هستند که عنوان خود را نماز جماعت اقتدا می‌کنند. پرسش کننده، با بیان اصل صورت مسئله، فقط سؤال می‌کند که «نظر شریف شما در این‌باره چیست؟» به عبارتی دیگر، پرسش کننده سؤالش کلی است و مشخص نمی‌کند که در مورد وظیفه کدام‌یک از سه عامل فوق پرسش می‌کند. اما پاسخ مقام مرجعیت، فقط متوجه طرف سوم یعنی مؤمنان نمازگزار شده است. پاسخ، در مورد وظیفه طرف اول و دوم ساکت است، هر چند به صورت ضمنی این توصیه متوجه آن دو طرف

است. این گروه دوم، نه تنها قاعداًت افراد مشرعی هستند که از مقام مرجعیت پیروی می‌کنند، بلکه مقام مرجعیت در جایگاهی قرار دارد که باید در مرحله اول توصیه‌های خویش را به آنان منتقل کند، زیرا این گروه لولای حلقه وصل بین مقام مرجعیت و مقلدان هستند. پاسخ این پرسش می‌توانست در مورد این گروه دوم باشد یعنی به امامان جماعت توصیه شود که از دریافت حقوق ماهیانه بابت امامت نماز جماعت پرهیز می‌کنند. (الف) اگر توصیه بالا، خطاب به امامان جماعت می‌بود، امامانی که وظیفه خویش را عمل به توصیه دلسوزانه آیت الله سیستانی می‌دانند، می‌توان تصور کرد که به مخاطب چنین امری اشاره خواهند کرد اما در چنین مواردی باید تدبیری اندیشیده شود که اگر به امامی توصیه می‌شود که حقوق دولتی نگیرد، باید نهادهای دینی و حوزوی حداقل نیازهای معیشتی وی را پیشاپیش برآورده کنند تا زندگی روزمره وی مختل نشود. در صورتی که مخاطب این توصیه، امامان جماعت بودند، نهادهای توصیه کننده دغدغه‌های استثنایی را نیز می‌توانستند توجه و تدبیر کنند، ولی هنگامی که مخاطب مأمومان هستند، بررسی موارد استثنایی، نه تنها از شرح وظایف آنان نیست بلکه برای آنان تقریباً امکان‌پذیر نیست.

^[1] آسب‌شناسی توصیه مقام مرجعیت در پرهیز از اقتدار به امام